


LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 12 (43), Summer 2022 https://lyriclit.iaun.ac.ir/ ISSN: 2717-0896  20.1001.1.27170896.1401.12.43.3.2
----------	--

Research Article

The Stance of Sacrifice Rituals in the Stories of One Thousand and One Nights

Khalifeh, Mehdi

Ph.D. candidate, Persian Language and Literature Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Ebrahimi, Ghorban Ali (Corresponding Author)

Assistant professor, Persian Language and Literature Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Chatraei, Mehrdad

Assistant professor, Persian Language and Literature Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

Sacrifice is among the oldest religious rituals that has received attention by human beings and its life can be tied to the length of human life. One Thousand and One Nights is important and necessary because it shows a deeper understanding of the human's beliefs and convictions during the past centuries. Various researches have been done about the sacrifice and its types in Persian texts. This article aims to study the types of sacrifices (especially human ones), their goals and methods in the stories of One Thousand and One Nights with a descriptive-library method with content analysis tools and also referring to scientific sources and references, journals, and databases. The results show that all kinds of sacrifices (human and animal) have been common among all religions and its purpose was to ward off calamity, fear of the wrath of the gods, legitimizing the need, a religious practice on the feasts of different religions, making aqeeqah and so on. This ritual act changed after the emergence of divine religions and human intellectual growth, and animals replaced man. It is still prevalent in various communities, especially Muslims, and is becoming something not related to killing the alive creatures.

Key Words: Sacrificing, One Thousand and One Nights, Human and Animal, Divine Religions.

Citation: Khalifeh, M.; Ebrahimi, Gh.A.; Chatraei, M.. (2022). The Stance of Sacrifice Rituals in the Stories of One Thousand and One Nights. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 12 (43), 34-47. Dor: 20.1001.1.27170896.1401.12.43.3.2

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال دوازدهم، شماره چهارم و سه، تابستان ۱۴۰۱، ص. ۳۴-۴۷

مقاله پژوهشی

جایگاه آیین قربانی در داستان‌های هزار و یک شب

مهدی خلیفه^۱

قربانعلی ابراهیمی^۲

مهرداد چترایی^۳

چکیده

قربانی کردن از کهن‌ترین آیین‌های دینی است که مورد توجه انسان‌ها بوده و حیات آن را می‌توان به درازای زندگی بشر گره زد. هزارویک شب از آن جهت اهمیت و ضرورت دارد که شناخت عمیق‌تری از باورها و اعتقادات انسان‌ها در قرون گذشته را نشان می‌دهد. در خصوص قربانی و انواع آن در متون فارسی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. این مقاله با هدف بررسی اقسام قربانی (به ویژه قربانی انسان)، اهداف و چگونگی آن در داستان‌های هزارویک شب با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که انواع قربانی (انسانی و حیوانی) در بین تمام ادیان رواج داشته است و هدف آن دفع بلا، ترس از خشم خدایان، روا شدن حاجت، یک عمل دینی در اعیاد مذاهب مختلف، عقیده کردن و نظایر آن بوده است. این عمل آیینی پس از ظهور ادیان الهی و رشد فکری بشر دچار تغییر و دگرگونی گشت و حیوان جایگزین انسان شد. اکنون نیز کماکان در بین جوامع مختلف به ویژه مسلمان رواج دارد و در حال تبدیل به غیر خونی است.

کلیدواژه‌ها: قربانی کردن، هزارویک‌شب، انسان و حیوان، ادیان الهی.

-
۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
 ۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول) ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com
 ۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۷

۱. مقدمه

بلاگردانی یکی از عناصر کلیدی و مهم فرهنگ عامه محسوب می‌شود که با توجه به فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف به شکل متنوعی برگزار می‌گردد. در گذشته جنبه‌های گوناگونی برای انتقال شرّ و دفع بلا وجود داشته است گاهی شرّ به اشیا انتقال می‌یافت و گاهی نیز گریبان انسانی را می‌گرفت «غالباً انتقال شرّ به اشیای مادی گامی است به سوی انداختن آن به دوش انسان زنده دیگر. مثلاً برای شفای دندان درد بعضی از سپاهیان استرالیا یک نیزه‌انداز داغ روی گونه می‌گذارند و سپس دورش می‌اندازند و دندان درد همراه آن به شکل سنگ سیاهی موسوم به هاریچ دور می‌شود. سپس این سنگ‌ها را جمع می‌کردند و به طرف دشمن می‌انداختند تا دچار دندان درد شوند به این عمل رد کردن شرّ گویند» (فریزر، ۱۳۸۳: ۵۹۶). بشر برای دفع بلا راه‌های متنوعی را انتخاب می‌کرد که می‌توان به مواردی از قبیل دعا، نیایش، قربانی، صدقه و... اشاره نمود.

قربانی کردن به‌عنوان آیینی دینی و اسطوره‌ای، تقریباً در همه ادیان به شکل‌های مختلف وجود داشته است (اسلام: ۱۳۹۴، ۶۶). به طور مثال: کسی که از سفر بر می‌گردد جلو پایش گوسفند قربانی می‌کند (هدایت: به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۸۴) و «آویختن تکه‌ای از بدن برخی حیوانات، در نگاه عامه می‌تواند برای دفع چشم زخم موثر باشد؛ مثال آویختن سر خر بر درخت برای رفع چشم زخم» (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۱۸). همچنان نیز این باور در نزد مردم رواج دارد در خصوص منشأ و چگونگی شکل‌گیری این باور اطلاع دقیقی در دست نیست و شاید بتوان زمان پیدایش آن را با خلق نخستین زندگی اجتماعی انسان گره زد. مطالعات اسطوره‌شناختی نشان می‌دهد که در ابتدا قربانی‌هایی که برای خدایان صورت می‌گرفته معمولاً قربانیان انسانی بوده‌اند. به طور مثال: «در بین سیاهان یوروبا در آفریقای غربی کسی که برای قربانی انتخاب می‌شد او را غذای خوب می‌دادند و می‌پروریدند تا اینکه روز موعود فرا می‌رسید سپس او را در کوچه و قلمرو پادشاه می‌گرداندند تا بلاها به او منتقل شود سپس او را سر می‌بریدند و خونس را پیشکش خدایان می‌کردند» (فریزر، ۱۳۸۳: ۶۱۲). ویل دورانت نیز قربانی انسان را امری دانسته که میان ملت‌های باستانی شایع بوده و هر روز در جایی دیده شده است. به گفته او در بعضی نواحی برای کشاورزی، مردی را می‌کشتند و خونس را هنگام بذریابی بر زمین می‌پاشیدند تا محصول بهتری به بار آورد و بعدها همین قربانی به صورت حیوانی در آمد (لسان: ۱۳۵۵، ۱۴). آداب قربانی با توجه به اقلیم‌ها و فرهنگ‌های مختلف به شکل متنوع انجام می‌شد.

با پیشرفت جوامع انسانی زیر بنای فکری و نوع برخورد با این باور رایج دچار تغییر و تلطیف شد و شکل انسانی آن منسوخ گشت و حیوانات یا ماکیان جایگزین آن گردید. قربانی کردن همچنان در نزد مردم مرسوم است و در ادیانی چون اسلام با قوت و قدرت ادامه دارد به نوعی که اکنون به دو نوع واجب و مستحب در بین آنان تقسیم شده است. پس از بررسی آثار و پژوهش‌های گوناگون مشخص شد که تاکنون پژوهش مستقل و گسترده‌ای به صورت موردی در زمینه قربانی کردن در داستان‌های هزار و یکشب به عمل نیامده است. از طرف دیگر تحقیق در هزارویک شب شناخت عمیق‌تری از باورها و اعتقادات انسان و در قرون گذشته را نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به موارد فوق، بررسی قربانی کردن و اهداف آن در این اثر ارزشمند ضروری می‌نماید. از آن جا که کتاب هزارویک شب منبع ارزشمندی از آداب و سنن نیاکان است و دربرگیرنده عناصر اصلی فرهنگ عامه از قبیل: افسانه‌ها، قصه‌ها و... است. این مقاله تلاش دارد اقسام قربانی و اهداف آن را در حکایات هزارویک شب مورد بررسی قرار دهد و به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. قربانی خونی (انسان و حیوان) در جوامع ابتدایی و اسطوره‌ها در چه مواردی انجام می‌شده است؟

۲. هدف از قربانی انسان و حیوان در حکایات هزارویک شب چیست؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

به منظور ارائه گزارش از اهمیت و ضرورت این تحقیق باید افزود که پس از بررسی آثار و پژوهش‌های گوناگون مشخص شد که تاکنون پژوهش مستقل و گسترده‌ای به صورت موردی در زمینه قربانی کردن در داستان‌های هزاره یک شب به عمل نیامده است. اما در مورد آیین قربانی آثار ارزشمندی به رشته تحریر در آمده است که می‌توان به سرآمد آنها از کتاب «شاخه زرین» اثر جیمز جرج فریزر (۱۳۸۳) نام برد. او در این کتاب به جمع‌آوری نمونه‌هایی از انواع قربانی، در ملل مختلف می‌پردازد. در مجلات ادبی، مقالاتی در خصوص قربانی وجود دارد که از بعضی از این مقالات در جهت تدوین این مقاله از دستاوردهای علمی آنها در این حوزه بهره‌برداری به عمل آمد. به عنوان نمونه خوارزمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بلاگردانی در شاهنامه» تلاش کرده است تا به این مفهوم در شاهنامه با رویکردی عام‌تر و گسترده‌تر بپردازد. در این مقاله بر اساس الگوی فریزر در کتاب «شاخه زرین» مفهوم بلاگردانی را در بخش کوچکی از شاهنامه مورد بازبینی و تحلیل قرار داده است. همچنین نجمه آزادی ده عباسانی (۱۳۹۴) رمز‌گشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. جواد نیستانی (۱۳۹۴) قربانگاه‌های انسانی توفت در بیت‌المقدس را بررسی نموده‌اند. حسین لسان (۱۳۵۵) قربانی از روزگار کهن تا امروز را به صورت جزئی و ارزشمند مورد بررسی قرار داده‌اند به نحوی که مقاله مذکور مرجع دیگر تحقیقات در این حوزه شده است. و نیز حیدری-ادیان (۱۳۹۵) به توصیف و تحلیل مضمون قربانی در اشعار بیدل پرداخته‌اند.

۲. بحث

۱-۲. قربانی در جوامع ابتدایی و اسطوره‌ها

قربانی یکی از عناصر بنیادین در نظام اساطیری و در همین حال، از شعائر دینی است، آیینی است که در جوامع بدوی و پرستش‌های آغازین وجود داشته و موضوع به خلقت حضرت آدم (ع) بر می‌گردد. انسان‌ها همواره در دامان طبیعت می‌زیسته و قادر به کنترل کردن پدیده‌های ناخوشایند آن نبوده‌اند؛ به همین علت، برای مقاصد چون سلامتی، آبادانی، باروری، و پرهیز از خشم خدایان قربانی می‌کردند (حسن آبادی، ادیان، ۱۳۹۵: ۳۰). اما در لغت به معنی نزدیک و تقرب است. چیزی که در راه خدای تعالی تصدق کنند و بدان تقرب جویند به خدای تعالی. (آندراج). فارسیان به معنی مطلق تصدق و با لفظ رفتن و شدن و گشتن و کردن مستعمل نمایند و نیز (عید) عید اضحی، گوسفندکشان، روز دهم ذیحجه الحرام است و یکی از روزهای بزرگ و اعیاد با عظمت اسلامی است. در این روز حاجیان در منی نزدیک مکه گوسفند قربانی کنند (لغت‌نامه: ذیل قربان).

۱-۲-۱. قربانی انسان در دوره باستان و اسطوره‌ها

بشر بعد از شکل‌گیری حیات اجتماعی خود به این فهم رسیده بود که برای دفع شرّ و پلیدی باید متوسل به عوامل بلاگردانی شود. بنابراین او قربانی کردن را به‌عنوان روشی جهت جلوگیری از خشم خدایان برگزید. شواهد بسیاری مبنی بر قربانی کردن انسان‌ها در تاریخ تمدن‌های گذشته؛ مثل: هند، یونان، روم، چین و نیز اقوام سامی (عرب) یافت شده است، بشر در این دوران هنوز به تکامل فکری و فرهنگی دست نیافته بود و با رسوم خرافی، هموعان و عزیزان خود را برای خدایان قربانی می‌کردند. این رسم انحرافی در یکی از قبایل اوگاندا رواج داشت «اگر اولین فرزند رئیس قبیله پسر بود، مردم بدون اطلاع پدر و جهت طولانی شدن عمر او قربانی می‌کردند» (فریزر، ۱۳۸۳: ۳۳۰)

اسطوره‌ها نیز نشان داده‌اند که اقوام و قبایل مختلف پایبند به قربانی بوده‌اند و این عمل را مقدس می‌شمردند و در انجام آن کوتاهی روا نمی‌داشتند. اعتقاد بدین باور در نزد قبایل چنان بود که آن را یگانه راه گره‌گشای مشکلات خود می‌شمردند

تا جایی که پادشاهی جهت جلوگیری از نابودی مملکت پسر ارشد خود را که قرار بود جانشین وی گردد، قربانی می‌کرد (آزادی ده عباسانی، ۱۳۹۴: ۱۶).

قربانی کردن در اسطوره‌ها و افسانه‌ها، هم برای جلب توجه خدایان و دور ماندن از آسیب و گزند آنان صورت می‌گرفت. یکی از تمدن‌های شگفت‌انگیز آرتک‌ها بودند. در نظر آرتک‌ها، قربانی کردن آدمیان معانی فراوانی داشت که یکی از آنها، تشکر از خدای آرتک و تقلید از او بود. آنها در اسطوره‌های خود داشتند: زمانی که خدای آرتک «هوتیزیلوپوچتلی» (Huitzilopochtli) بر قلّه کوهی زاده شد، لباس رزم بر تن داشت و کاملاً مسلح بود. وی بی‌درنگ چهارصد تن خواهر و برادر ناتنی‌اش را کشت. اما معنای دیگر قربانی کردن انسان‌ها، برخورد شایسته با اسیران جنگی بود. به باور آنها، قربانی کردن کار شایسته و شرافتمندانه‌ای برای هر دو طرف جنگ بود. هدف اصلی جنگ این نبود که طرف پیروز بلافاصله طرف مغلوب را بکشد، بلکه هدف آن بود که وی را اسیر کند و در خلال مراسم مذهبی بکشد. این رفتار شایسته‌ای بود که جنگجوی شکست‌خورده به فاتح خویش بگوید: «تو پدر محبوب من هستی» و فاتح بگوید: «تو فرزند محبوب من هستی». بنابراین، فاتح حق قانونی داشت که مغلوب را قربانی کند و هر دو طرف در اجرای آن همکاری می‌کردند. معنای دیگر آن ارباب دشمنان و به انقیاد در آوردن آنها بود. آنها رهبران قبایلی را که می‌خواستند به انقیاد خود درآورند، دعوت می‌کردند تا در مراسم قربانی کردن انسان‌ها حضور داشته باشند.

مردمان آرتک به طور کلی چنین می‌پنداشتند که اگر جان انسان تقدیم خدایان شود، جهان در حال تعادل باقی می‌ماند. قربانی کردن تنها یکی از چند مراسم بود که آرتک‌ها برای سازگاری خود با دنیایشان انجام می‌دادند. اکثر قربانیان به خورشید تقدیم می‌شدند. استاد دانشگاه هاروارد، «دیوید اس. لندز» در کتاب خود «ثروت و فقر ملل» می‌نویسد که یکی از دلایل عمده‌ای که آرتک‌ها با ابعاد گسترده خون‌خواری و آدم‌خواری از مردم خویش، سال‌ها حکومت کردند، ایجاد جوّ ترس و وحشت بوده است (ر.ک. لانگ، ۱۳۸۳: ۱۱۴-۱۱۵).

یونانیان باستان نیز در آغاز از قربانی کردن انسان‌ها ابائی نداشتند، مثلاً آگاممنون دختر خود، ایفی‌ژنیا را قربانی کرد و آخیلوس ده تن از جوانان ترویا را به خاطر دوستش، پاتروکل، قربانی ساخت. همچنین در میان مردم روم باستان نیز مراسم قربانی برای خدایان و ارواح مردگان یا در هنگام برپا کردن جشن‌ها مرسوم بود. تزه، سامان‌دهنده شهر آتن نیز رمولوس، بانی شهر رم، هر دو در راه خدایان قربانی کرده بودند (لسان، ۱۳۵۵: ۱۵).

در نزد قوم سامی نیز قربانی انسان رواج داشته است که می‌توان به داستان عبدالمطلب رئیس قبیله قریش و پرده‌دار بزرگ خانه کعبه اشاره کرد. در آن زمان چاه زمزم خشک شده بود «عبدالمطلب را ده پسر بود، خود با پسران بایستاد و آن چاه به کندن گرفتند، عبدالمطلب با خدای نذر کرد که اگر این آب به دست او و به دست فرزندان او برآید او یک فرزند خویش را قربان کند، پس آب برآمد، برای عبدالمطلب سخت گران می‌آمد که او را قربانی کند. سرانجام، با قرعه زدن‌های پیاپی صد شتر فدای او کرد و به جای فرزندش آنها را قربانی ساخت» (آزادی ده عباسانی، ۱۳۹۴: ۲۰). این گونه روایات بازگو کننده و تأیید کننده این واقعیت است که قربانی کردن انسان نزد اقوام سامی مانند ملل دیگر، انجام می‌شده است.

ایرانیان باستان نیز همچون دیگر اقوام کهن پایبند به عمل قربانی بودند و به قول لسان: آنان آدمی‌زاد را قربانی می‌کردند، تنها بوی قربانی‌ها مخصوص خدایان بود و گوشت آن نصیب کاهنان و پرستندگان می‌شد (لسان، ۱۳۵۵، ۱۹). در یشت‌ها نیز به قربانی حیوانات و ریختن خون آنها اشاره شده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۲۴). در ایران باستان، مهرپرستان، روز اول فروردین، گاوی را برای خدای مهر و دیگر ایزدان آسمانی با تشریفات خاصی قربانی می‌کردند و خونس را به‌عنوان هدیه و سهم ایزدان در پیشگاه آنان به آسمان می‌افشاندند؛ زیرا به باور ایرانیان باستان خونی که به یاد ایزدان بر زمین سرد ریخته می‌شد،

سبب می‌گشت که جنبش و رویش در زمین و جهان هستی به بار آید. زمین نیز مستی می‌کند و در نتیجه سرمایه درون خود را رایگان در اختیار همه قرار می‌دهد (نجمی، ۱۳۹۴: ۳۵۷).

۲-۱-۲. قربانی انسان در ادیان گوناگون

بررسی متون و آثار برجای مانده از ادیان مختلف و دوران کهن حکایت از آن دارد که مراسم قربانی با اهداف مختلفی همچون فروکاستن از خشم خدایان، طلب باران، باروری زمین، کسب موفقیت در جنگ و یا رفع بیماری‌های واگیر و کشنده صورت می‌گرفته است. از قرن نوزدهم میلادی تاکنون، دین‌پژوهان متعددی به بررسی ادیان، آداب و رسوم دینی از جمله مراسم قربانی پرداخته‌اند، به‌عنوان نمونه سر ادوارد تیلور محقق و انسان‌شناس معروف بریتانیایی در کتاب خود با عنوان «فرهنگ ابتدایی» بر این باور بود که انسان‌ها در روزگاران کهن، قربانی می‌کردند تا خشم خدایان را فروبشانند و خواسته‌های را نیز به دست آورند (عبدی: ۱۴۰۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی). البته این گفتار نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد؛ زیرا ما نمونه‌هایی را مشاهده می‌کنیم که برای ترس از خشم خدایان نبوده است و بعضی از قربانی‌ها برای دفع نحوس بوده و در مواردی نیز به‌عنوان یک آیین انجام می‌شده است. در هزارویک شب با اقسام قربانی مواجه هستیم که در جای مناسب بدان پرداخته خواهد شد.

مردم سوریه همچون مردم فینیقیه هنگامی که کاری سخت پیش می‌آمد، فرزندان خود را قربانی می‌کردند و آن را به خدای خورشید پیشکش می‌نمودند. از نمونه دیگر در این منطقه می‌توان به قربانی مشا، پادشاه مواب، (سرزمینی در فلسطین) اشاره کرد که او فرزند ارشد خود را برای نجات شهر از محاصره دشمنان قربانی کرد و چون خواست او برآورده گردید و قربانی فرزندش پذیرفته شد، هفت هزار نفر از بنی اسرائیل را به نشانه شکرگزاری از دم شمشیر گذراند (لسان، ۱۳۵۵: ۱۴-۱۵). در یونان و روم باستان نیز مراسم قربانی برای خدایان و ارواح مردگان یا در هنگام برپا کردن جشن‌ها مرسوم بوده، تزه، سامان‌دهنده شهر آتن نیز رمولوس، بانی شهر رم هر دو در راه خدایان قربانی کرده بودند (همان: ۱۷).

قوم یهود نیز مانند دیگر اقوام باستانی، انسان را قربانی می‌کردند و پس از آن حیوان، جای آدمی را گرفت. قربانی یکی از عبادات مهم اسرائیلیان بود و آن را دلیل بر توبه و اعتراف و تقدیس کفاره و شکر می‌دانستند (همان: ۱۵). قوم عیسوی نیز با شیوه‌ای مغایر با یهود به اجرای آداب و رسوم دینی می‌پرداختند. در مسیحیت، سنت‌های دینی به شکلی عرفانی تفسیر و توجیه می‌گردند. آیین قربانی نیز از جمله سنن رایج در دین یهود است که در مسیحیت، شکلی نمادین و رمزی به خود گرفت. در میان مسیحیان، مظهر قربانی شخصی عیسی^(ع) است. مسیح با قربانی کردن ارادی خویش، در واقع گناهان انسان را باز خرید و همین کار موجب رهایی ملت اسرائیل از چنگ اسارت رومیان گردید. این عقیده‌ای است که در میان مسیحیانی که از نسل یهود بودند، سخت رواج داشت. اما مسیحیان غیریهودی برآنند که این قربانی نوعی «باز خرید عرفانی» است (فراهانی، ۱۳۸۰: ۵).

هرچند با گذشت زمان دایره قربانی انسان محدود و محدودتر شد و تنها مجرمان محکوم به اعدام را پس از آنکه شراب فراوان می‌دادند و تخدیرشان می‌کردند قربانی می‌ساختند ولی بعداً حیوانات را جایگزین انسان‌ها کردند. بدون شک این جابه‌جایی از گام‌های تمدن انسان است. لسان سومری‌ها را نخستین مردمی می‌داند که به زشتی قربانی کردن انسان پی بردند و به جای آن چیزهای دیگر جانشین کردند. البته ایشان این نکته را بر اساس یک دستور دینی در الواح سومری می‌داند که در آن نوشته شده بره جانشین و فدیة انسان است (لسان، ۱۳۵۵: ۱۶).

قربانی در شریعت اسلام رسمی متداول است و به منظور تقرب و نزدیکی به خداوند مطرح شده است. اولین قربانی در روایات اسلامی از زمان آدم ابوالبشر^(ع) شروع شد، وقتی که دو فرزندش هابیل و قابیل به توصیه پدر به ترتیب یک قوچ و

مقداری گندم را به‌عنوان قربانی به بارگاه خداوند تقدیم کردند، صاعقه‌ای از آسمان قربانی هابیل را سوزاند و قربانی هر کس از بین می‌رفت او پیروز بود. اما بعدها این موضوع سبب رشک برادر شد و او هابیل را کشت. در قرآن مجید این واقعه تاریخی چنین آمده است: «وَإِذْ قَرَّبْنَا قُورَيْبًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أُوْحَدِهِمَا وَ لَمْ يَتَّخِذْ مِنَ الْآخِرِ قَالًا لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ترجمه: و داستان دو فرزند آدم را به‌درستی بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد [برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!»] [برادر دیگر] گفت: من چه گناهی دارم؟ زیرا خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد» (مائده/۲۷)

دومین مورد نیز داستان حضرت ابراهیم است که در عالم رؤیا مأمور شد فرزندش اسماعیل را در راه خدا قربانی کند و این پسر که فرمان پدر را در اجرای امر حق گردن نهاده بود تیغ بر او کارگر نیامد و عاقبت با فدا شدن گوسفندی به‌جای او از تیغ پدر رهایی یافت. فَقَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (صافات/۲). هرچند در این داستان خداوند ابراهیم را از کشتن فرزندش منع می‌کند و به‌جای آن گوسفندی می‌فرستد اما این آیین هیچ‌گاه منسوخ نشد و در میان قبایل ادامه یافت. در نمونه سوم عبدالمطلب و چاه زمزم نیز نذر قربانی فرزند را می‌بینیم که این مورد تأیید کننده موارد بالا و رواج آن با شدت کمتری است.

خداوند در چند جا به صراحت، از این آیین سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: لَا تُحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ ترجمه: شعائر خدا را حلال مشمارید و نیز چهار ماه حرام را حلال مشمارید و نیز کشتن و خوردن قربانی‌های بی‌نشان مردم و قربانی‌های نشان‌دار آنان را حلال ندانید (مائده/۲)

این آیین در اسلام به چند جهت انجام می‌شود: نوع اول قربانی واجب که در مراسم حج و در روز عید قربان انجام می‌شود و هر حاجی باید با شرایط خاص گوسفند یا شتر یا گاو را قربانی کند. نوع دوم مربوط به کفارات حج است که برای کفاره برخی از اعمال که در حال احرام انجام داده‌اند، باید قربانی کنند. نوع سوم قربانی که بر اساس نذر واجب می‌شود؛ یعنی نذر می‌کند که اگر بیمار شفا یافت، گوسفند یا گاو یا شتری را قربانی کند. نوع چهارم قربانی مستحب است که فرد آن را از روی شوق و ذوق جهت تقرب به خداوند انجام می‌دهد.

به نظر می‌رسد قربانی کردن نوعی ترک تعلقات دنیوی است؛ یعنی گذشتن از خود و مال خود در راه کسب رضای محبوب و معشوق. همان‌طور که در داستان قربانی اسماعیل می‌بینم پدرش ابراهیم از عزیزترین کس خود به خاطر معبود گذشت و این همان گذر از دل‌بستگی‌ها و رسیدن به وارستگی است. البته می‌توان این‌گونه نگریش که قربانی کردن از انسان به حیوان یک بعد دیگری را نشان می‌دهد و آن بعد عقلانی بودن آنست.

۲-۱-۳. قربانی در ادب فارسی

در متون نظم و نثر، شاعران و نویسندگان از مضمون قربانی بهره‌جسته‌اند و هر جا که مجال دست داده‌است به زیبایی سخن رانده‌اند. سعدی:

فدای جان تو گر جان من فدا شود چه باک
برای عید بود گوسفند قربانی
بر آنم گر تو بازایی که در پایت کنم جانی
از این کمتر نشاید کرد در پای تو قربانی
(غزلیات، ۱۳۷۵: ۵۷۰)

سعدی در اینجا به قربانی کردن جهت دفع بلا در پیش پای عزیزی که از سفر برمی‌گردد اشاره می‌کند. این سنت هم‌اکنون نیز در نقاط مختلف ایران انجام می‌گردد هرچند که بر اساس مناطق مختلف از شدت بیشتر یا کمتری برخوردار است.

مولوی در مثنوی:

گفت فرزندان به قاضی کی کریم نگذریم از حکم او ما سه یتیم
 ما چو اسماعیل ز ابراهیم خود سر نیچیم ار چه قربان می کند
 (مثنوی، ۱۳۷۸: ۹۷۲)

پروین نیز در قصاید از این مضمون استفاده کرده است:

قتاعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی گدای خویش باش ار طالب ملک سلیمانی
 مرس از جان فشانی گر طریق عشق می پویی چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی
 به نزد زندگانی مهره های وقت و فرصت را همه یک باره می بازی، نه می پرسی، نه می دانی
 (دیوان، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

نویسندگان و راویان نیز در متون نثر فارسی از قربانی انسانی و حیوانی بهره برده اند. در متون کمتر به قربانی انسانی اشاره شده است و بیش به دیگر انواع قربانی پرداخته اند. در مرزبان نامه در داستان آهنگر و مسافر می خوانیم که در شهر آهنگر در یک روز خاص یک نفر را جهت دفع بلا قربانی می کنند و او ضاع بدین گونه بود که اگر فرد غریبی وارد شهر می شد او را قربانی می کردند. اگر این اتفاق نمی افتاد از بین مرد و ساکنان شهر قرعه کشی می کردند، قرعه به نام هر کس می افتاد او را قربانی می کردند. از قضای روزگار در آن سال به دلیل عدم ورود مرد غریبه به شهر قرعه به نام آهنگر می افتد و او نشانه تیر بلا می گردد. اما وقتی مهمان و دوست او در رسید، به ناچار به خانه داروغه می رود و او را از ورود مهمان (مرد غریبه) آگاه می کند. سربازان می آیند و او را جهت قربانی اسیر می کنند و به کشتارگاه می برند (ر.ک. مرزبان بن رستم، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۷). در کلیله و دمنه در باب «پادشاه و برهمنان» نیز به نمونه هایی از دفع شرّ و بلا با خون اشاره شده است: «آن خون که شخص تو رنگین کرده بود شرّ خواب بدان دفع شود که بفرمایی تا نزدیکان ترا بیارند و به حضور ما آن شمشیر خاصه به دست جلادی دهی تا همه را بکشد ... اگر بر این صبر کرده شود و دل از این جماعت برداشته آید شرّ این خواب از تو مدفوع گردد و اگر این باب میسر نیست بلای عظیم را منتظر باید بود چون زوال پادشاهی یا سپری شدن زندگانی» (نصرالله منشی، ۱۳۸۵: ۳۷۴ و ۳۷۵).

۱-۳-۱-۲. قربانی در هزارویک شب

در هزارویک شب به عنوان یکی از متون تأثیرگذار ادب پارسی به این باور اشاره شده است و شواهد موجود تأیید کننده این باور مرسوم است که در زیر به آنها پرداخته می شود.

۱-۳-۱-۲. قربانی کردن انسان

حکایت وزیر و پسر پادشاه

در شب هشتم (داستان صیاد) وقتی که پسر پادشاه جزایر اسود از خیانت همسر خود و ارتباط او با غلام سیاه آگاه می گردد، سعی در کشتن غلام می کند، اما موفق نمی شود. وقتی همسرش که سیاهک معشوقه او بود، از ماجرا آگاه می شود با سحر و جادو یک نیمه همسر را به سنگ و مردم را که از ادیان مختلف بودند به چهار نوع ماهی و شهر را به برکه تبدیل می کند. روزگار می گذرد تا پادشاه آن سرزمین برای کشف حقیقت بدان مکان می رود. ایشان پس از آگاه شدن از ماجرا توسط همسر زن جادوگر، ابتدا به سوی غلام می رود. دید که زنگی در خوابگاه خوابیده است. در حال تیغ برکشیده و او را کشت و به چاهش درافکند و جامه هایش را پوشیده در خوابگاه او خوابید و تیغ برکشیده در پهلویش خویشتن بگذاشت. چون ساعتی گذشت دختر به قصر درآمد و پسرعموی خود را برهنه کرد تازیانه بر او می زد و او می نالید و می گفت: به من

رحمت آور. سپس به نزد غلام آمده ساغر شرابی پیش آورد و گریان گفت: ای خواجه، از این شراب جرعه‌ای بنوش و با من سخن بگو. پس ملک با چاره‌ای که اندیشیده بود و با زبان زنگیان از دختر می‌خواهد که جوان، مردم شهر، شهر و ... را به صورت نخست درآورد. دختر نیز گمان می‌کند که این معشوقه است، لذا تمام خواسته‌های پادشاه را اجرا می‌کند. طاسی پر از آب کرد و افسونی بر او دمیده به آن جوان پیاشید. آن جوان به صورت نخست شد. سپس پاره‌ای از آب برکه برداشته افسونی بر او بدمید و آب به برکه برفشاند. در حال ماهیان به صورت آدمیان برآمدند و بازارها به صورت نخستین بازگشتند و کوه‌ها جزیره‌ها شدند. وقتی که همه کارها انجام شد دختر به بیت‌الاحزان آمد و کردار خویش به ملک باز نمود. ملک آهسته‌ته گفت: نزدیکتر آی. دختر نزد یک آمده در حال ملک تیغ بر سینه دختر زد، دختر دونه‌مه بیفتاد (ر.ک. هزارویک‌شب، ۱۳۹۱: ۳۲-۴۱). ملک با کشتن او بلا را از ملک‌زاده و مردم و شهر دفع کرد.

حکایت بی‌گوش (شب سی و یکم الی دوم)

در این حکایت، می‌خوانیم که عجزی با فریب مردم توانگر آنان را به خانه خود می‌کشید، سپس می‌کشت و صاحب‌مال آنان می‌گشت. شبی به در خانه مرد (بی‌گوش) می‌زند و تقاضای ورود جهت ادای نماز می‌نماید. پس از نماز، او را فریب می‌دهد و به خانه خویش می‌کشاند و طبق روال قبل، دستور کشتن ایشان را می‌دهد، اما مرد به طریقی جان به در می‌برد. و پس از بهبودی، عجز را فریب می‌دهد و او را می‌کشد (ر.ک. هزارویک‌شب، ۱۳۹۱: ۱۲۱). با ریختن خون عجز به بلایی که هر شب دامن یکی را می‌گرفت، دفع گردید.

حکایت دو وزیر (شب سی و سوم)

پس از یک سال که نورالدین از بذل و بخشش و خوش‌گذرانی او با یاران، روزی وکیل به نزد وی آمده به سرگوشی گفت: یا سیدی، از آنچه بر حذر بودم پیش آمد و اکنون یک درم نقد جنس نداریم. چون نورالدین این سخن بشنید سربه‌زیر افکند و به حزن و ملامت اندر شد. یاران متوجه معنی این سخن شدند، هرکدام با توسل به عذر و بهانه‌ای از او کرانه می‌گیرند. در این اثنا، یکی از یاران و موافقان دلیل رفتن را عقیقه کردن پسر برادر بیان می‌کند (هزارویک‌شب، ۱۳۹۱: ۱۳۰). عقیقه کردن در واقع همان قربانی کردن است که جهت دفع بلا انجام می‌گردد. هرچند در این داستان سخن از عقیقه انسانی است. البته عقیقه در سنت اسلامی امری مستحب شناخته می‌شود که برای دفع بلا گوسفندی را ذبح می‌کنند و در بین فقرا تقسیم می‌نمایند.

حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان

نمونه بعدی قربانی انسان در شب دویست و سی و دوم بدان اشاره رفته است. بهرام مجوس جهت قربانی در روز عید مجوسان، ملک اسعد را که اسیر او شده بود، مهیا می‌کند. هرچند به دلیل تغییر وضعیت آب و هوایی و ... موفق به ذبح ملک اسعد نمی‌شود، اما به فلسفه وجود چنین عملی جهت دفع بلا و گرفتاری پرداخته است و این نشان وجود این عمل در نزد پیشینیان است (هزارویک‌شب، ۱۳۹۱: ۴۴۰). در این داستان قربانی برای رضای خدا انجام می‌گیرد و شاید بتوان آن را نوعی هدیه به پیشگاه خدایان تلقی کرد. در روز عید قربان نیز مسلمان قربانی می‌کنند و گوشت حیوان قربانی را میان فقرا تقسیم می‌کنند و در روایات اسلامی امر ارزشمند شمرده می‌شود.

حکایت عجیب و غریب

نمونه بعدی در شب ششصد و هفتاد و سوم بیان شده است. گفت: ای ملک جوان‌بخت، کشتی به شهر گرج رسید و آن شهر را یکی از سرهنگان دلیر بناکرده به هر دروازه آن شخصی از مس به حکمت برگماشته بود. اگر بیگانه می‌خواست وارد شهر شود آن شخص بوق می‌زد، و هرکس که در آن شهر بود آواز آن می‌شنید. در حال آن شخص بیگانه را می‌گرفتند. اگر

به دین ایشان در نمی آمد، او را می کشتند. پس چون غریب بدان شهر داخل شد آن شخص نفیر کشید بدان گونه که ملک ترسید. برخاست به خانه درآمد دید که از دهان بت آتش و دود برمی آید و شیطان به درون آن بت فرو شده به زبان بت سخن می گفت. سپس از بت آواز برآمد که: ای ملک، غریب پادشاه عراق به شهر تو آمده و می خواهد مردم را دین خود بازگرداند. وقتی او را پیش تو آوردند تو او را بکش. بلافاصله ملک از بت خانه به درآمد و بر تخت بنشست. ایشان غریب را بیاوردند و در پیش تخت ملک گذاشتند و گفتند: ای ملک ما این جوان را غریق یافتیم، چون او را از غرقاب به در آوردیم دیدیم که خدای ما را منکر است. ملک گفت او را به بتخانه برید و در برابر بزرگ بتان ذبح کنید شاید که او از ما خوشحال باشد (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۹۹۹). ملک می خواهد با ذبح غریب در پیشگاه خدای خود خشنودی و رضایت او را کسب کند تا متقابلاً بت (خدا) نیز دافع بلا از ملک و ملک باشد.

حکایت حسن بصری و نورالسنا

در حکایت حسن بصری در شب هفتصد و هفتاد و نهم الی هفتصد و هشتاد و یک به قربانی انسان اشاره شده است. حکایت کنند که در شهر بغداد بازرگانی توانگر زندگی می کرد که دو پسر داشت و مال بسیار ذخیره کرده بود. چون از دنیا رفت، فرزندان ارث را بهر کردند و یکی به زرگری و دیگری به مسگری پرداختند. روزی از روزها زرگر بر دکه نشسته بود که مردی عجم بر دکان او بگذشت و به صنعت او خیره شد در حسن و جمال او تأمل کرده او را خوش داشت. به حسن نزدیک می شود و اظهار محبت به او می کند. سپس می گوید: من از فرزند بی بهرام و صنعتی نزد من است که در دنیا بهتر از آن نیست اما به هرکسی نمی توان یاد داد. حسن تقاضای یادگیری صنعت می کند. مرد به او می گوید: طبق مسی را با گاز پاره پاره کن و در بوته بینداز. حسن این کار را انجام می دهد و بر آن می دمدم تا اینکه مس گداخته می شود. آنگاه عجمی دست به گوشه دستار برده، ورقه پیچیده ای درمی آورد که چیزی مثل کحل اصفه بود و کمی از آن در بوته ریخت و به حسن می گوید: که بدمد. او می دمدم تا آنچه در بوته بود زرخالص گشت. چون حسن او را بدید از شدت خوشحالی عقلش برفت و شمش طلا گرفته در آب انداخت. چون سرد شد آن را آزمایش کرد، دید که زرخالص و گران قیمت است؛ سر پیش برد که دست عجمی بیوسد، او را منع کرد و گفت: این زر بردار و در بازار بفروش و قیمت آن بگیر و هیچ مگوی. فوری حسن به بازار رفت و شمش طلا را پانزده هزار درهم فروخت و بدین وسیله حسن به او اعتماد کرد. تا اینکه روزی مهمان حسن شد و در اولین فرصت او را بی هوش می کند و به صندوق می نهد. سپس حسن را به کشتی می برد و حرکت می کند و از شهر دور می شوند. اما عجمی، او مجوس بود و مسلمانان ناخوش می داشت. آن پلید نام بهرام بود و در هر سال یکی از مسلمانان گرفته، جهت روا شدن حاجتش قربانی می کرد (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۱۱۵۷).

در این حکایت قربانی جهت دفع بلا و رسیدن به آرزو انجام شده است. راوی به طریقی ظریف به سرزنش حرص و آز و طمع پرداخته و به خواننده هشدار می دهد که سرنوشت کسانی که طمع ورزیدند چیزی جز شومی نیست. شاعران نیز بارها به این صفت مذموم تاخته اند. فردوسی آزمندی و طمع کاری را مایه درد و رنج بسیار دانسته، زحمت برای جمع آوری مال و ثروت را کاری عبث می شمرد:

ز آز و فزونی به رنجی همی روان را چرا پر شکنجی همی

(شاهنامه: ۱۳۸۳، ۸۴۱)

دل مرد طامع بود پر ز درد به گرد طمع تا توانی مگرد

(شاهنامه: ۱۳۸۳: ۹۹۲)

نمونه بعدی در حکایت حسن بصری و در شب هفتصد و هشتاد و دو نیز ذکر شده است. آن پلید (بهرام مجوس) وقتی کشتی از شهر دور می‌شود به خادمان دستور می‌دهد که دست حسن را باز کنند و مقداری آب و غذا بدو دهند. مجوس می‌گوید: به نار و نور سوگند که مرا گمان نبود که تو در دام من بیفتی، مرا آتش کمک کرد تا بر تو مسلط شوم. من تو را در برابر آتش قربانی می‌کنم تا از من راضی باشد (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۱۱۵۸).

یکی از نکات مهم که در کتاب بدان اشاره شده است برگزاری یا باور به قربانی جهت دفع بلا و رضایت خداوندان در مذاهب مختلف است. در این حکایت به عید یهودیان اشاره می‌کند که هر ساله برای خشنودی خداوند قربانی می‌کنند؛ چراکه یهودی‌ها قربانی را از مقدس‌ترین خدمات می‌دانستند. نیستانی درباره جایگاه اصلی قربانی در بیت المقدس انسان چنین گوید: «قربانگاه‌های انسانی بیت المقدس در بخش جنوب شرقی وادی عمیق هنوز (واقع در جنوب و غرب بیت المقدس کهن) به نام توفت قرار داشته است. این منطقه در زمان کنعانیان جنگل‌ها و بوستان‌هایی داشته که در زمره مکان‌های مقدس به شمار می‌رفته است. به منطقه توفت برای نخستین بار در کتاب دوم پادشاهان و کتاب ارمیاء نبی در تقبیح آیین بعل پرستی اشاره شده است. پیشینه قربانی و آیین‌های آن نزد قوم یهود به زمانی بازمی‌گردد که اسباط اسرائیل به رهبری یوشع سرزمین کنعان را در وادی اردن (فو: ۱۴۲۶ ق. م) تصرف کردند» (نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

* در ادامه شب هفتصد و هشتاد و دو مجوس از حسن می‌خواهد به دین او درآید، حسن قبول نمی‌کند. او به غلامان می‌گوید: که او را بزنند تا آتش پرست شود. حسن هر چقدر استغاثه می‌کند، کسی او را یاری نمی‌کند. آنگاه سر بر آسمان کرد و پناه به پروردگار و حضرت رسول (ص) و وصی او حیدر کرار می‌برد. پس از چندی خداوند بادی تند به کشتی می‌فرستد که روی دریا سیاه می‌گردد و موج‌های بلند برمی‌خیزد. ناخدایان گفتند: سبب این حادثه عقوبتی است که مجوس در حق این کودک می‌کند. آنگاه برخاستند و غلامان مجوس را کشتند. مجوس وقتی دید که غلامان او کشته شده‌اند از ترس، رفتار خود با حسن را عوض می‌کند و او را از بند رها می‌کند. ناخدایان از خلاصی او خشنود شدند و حسن آنان را دعا کرد. در حال باد فرونشست و تاریکی از بین رفت (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۱۱۵۸).

در اینجا ما با دو آداب بلاگردانی مواجه هستیم: نخست قربانی از سان برای دفع بلا و دوم دعا برای بلاگردانی. در مورد نخست، ناخدایان جهت دفع بلا و جلوگیری از غرق شدن کشتی غلامان مجوس را می‌کشند؛ زیرا اعتقاد دارند نحوست کار آنان است که گریبان‌گیر آنها شده است. و در مورد دوم دعای حسن بصری به درگاه حق است که مستجاب می‌شود و بلا را از او دور می‌کند.

۲-۱-۳-۱-۲. قربانی کردن حیوانات

حکایت سندباد

در داستان ملک سندباد (شب پنجم) وقتی که ملک با یاران به نخجیرگاه می‌رسند، دام می‌گسترانند و غزالی صید می‌کنند. ملک به یارانش می‌گوید: غزال از جلو هر کس که رد شد او را می‌کشم. سپاهیان گرد غزال آمدند. ناگهان غزال به سوی ملک بیامد و از روی سر او رد شد. سروصدا در یاران در گرفت. ملک از وزیر پرسید چه می‌گویند؟ وزیر صحبت ملک را به او یادآوری کرد. ملک گفت: او را بخواهم گرفت. لذا به دنبال غزال می‌رود و او را صید می‌کند سپس ذبحش می‌کند. غزال نگون‌بخت را به فتراک می‌آویزد و به جمع یاران برمی‌گردد (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۳۳). به نظر می‌رسد در اینجا هدف بلاگردانی است و پادشاه جهت دفع نحوست ناچار غزال را قربانی می‌کند. اما دیگر خبری از قربانی کردن انسان‌ها نیست و نویسنده داستان به طریقی ظریف و با قرار دادن پادشاه رو در روی غزال، قربانی را از انسان به سوی حیوان کشانده است؛

زیرا چه بسا اگر غزال از روی سر فرد دیگری عبور می‌کرد ما در اینجا هم شاهد قربانی انسان می‌بودیم اما نویسنده با تعیین مسیر عبور غزال به نوعی نحوهٔ قربانی کردن را نیز دچار تغییر نموده است.

حکایت پیر و غزال (شب نخستین و دوم)

در داستان بازرگان و عفریت، بازرگان (پیر اول) شرح داستان زندگی خود را چنین بازگو می‌کند:

این غزال دختر عم من است. سی سال با من زندگی کرد و فرزندی به دنیا نیاورد. کنیزی به زنی گرفتم و او پسری به دنیا آورد. مرا سفری پیش آمد و به شهری دیگر رفتم. همسرم که در کودکی ساحری آموخته بود کنیز و پسر را با جادو به گاو و گوساله تبدیل کرد و به شبان سپرد. پس از چندی که برگشتم و از کنیز و پسرم جويا شدم. گفت: «کنیز مرد و پسر گریخت». من از شنیدن این سخن گریه کردم و سالی اندوهگین بودم تا عید قربان رسید و از شبان گاو فربه‌ای خواستم تا قربانی کنم. شبان گاو فربه‌ای آورد. تا خواستم گاو را قربانی کنم نالید و گریه کرد. بر گاو رحمت آوردم و خود نکشتم. شبان را گفتم گاو را بکش (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶).

بنیان قربانی کردن پس ظهور اسلام تقویت شد و به دو دستهٔ واجب و مستحب تقسیم گردید. در روز عید قربان، قربانی برای حاجیان واجب است، اما برای بقیه مستحب. اغلب مسلمانان در روز عید قربان خود را ملزم به انجام آن می‌دانند و گوشت حاصل از آن را در بین نیازمندان تقسیم می‌کنند که عملی بسیار انسان‌دوستانه و شریف است. در حسینیه زنجان مردم سالانه نذورات خود را که غالباً حیوانات به خادم‌های حسینیه تحویل می‌دهند تا گوشت آنان در بین نیازمندان تقسیم شود. اکنون این مکان به بزرگ‌ترین مکان جمع‌آوری و قربانی نذورات مسلمانان ایران تبدیل شده است.

حکایت مدینه نحاس

حکایت کنند که عبدالملک مروان از طالب بن سهل حکایت حضرت سلیمان (ع) و عفریتیان (جنیان) که در خم کرده و سر آنها را مسدود کرده بود سپس خاتم نبوت مهر زده بود شنید گفت: به خدا سوگند خواهش من این است که از آن خمرها ببینم. طالب به او گفت: به برادر خود نامه بزن و این را از او بخواهید. ملک چنین کرد و برادر او، امیر موسی بلاد غرب را امور انجام کار می‌کند. امیر به همراه عبدالصمد قدوس و یاران به سوی انجام مأموریت حرکت کردند. قدوس راهنما و از دانایان روزگار بود. در مسیر به عفریتی برخورد کردند به نام دهش بن عمش. امیر از او دلیل حضورش را می‌پرسد که می‌گوید: من در این مکان محبوس خداوند هستم. پاره‌ای از ما بتی از عقیق سرخ پرستش می‌کردیم. ملکی داشتیم که دختری بسیار زیباروی داشت. او به پرستش صنم رغبتی تمام نشان می‌داد. من او را سلیمان (ع) وصف کردم. حضرت رسولی سوی ملک فرستاد که اول به دین من درآی و سپس دختر به من تزویج کن یا آمادهٔ جنگ شو. ملک ما تکبر ورزید و قبول نکرد. سپس با وزرا مشورت کرد. به او گفتند: اگر به سوی تو آید عفریتیان و صنم عقیق ما را یاری دهند اما چارهٔ کار مشورت با صنم عقیق است. در حال ملک برخاست و نزد عقیق صنم آمد و از قربانی چارپایان بکشت (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۸۵۶).

قربانی کردن یکی از مهم‌ترین باورهای رایج در بین انسان‌هاست. این باور با ظهور اسلام قوت و قدرتی چند برابر یافت و همچنان ادامه دارد. اما گاه قربانی کردن صرفاً به واسطهٔ دخالت فیزیکی صورت نمی‌گیرد، بلکه نوعی ردّ بلا یا به میانجی جزیه و دیه و پرداخت‌های مالی نیز در هیئت نوعی قربانی سازی قرار می‌گیرد. در داستان شب سی و دوم نیز پرداخت‌های مالی چنین نقشی را داراست.

* داستان شب یکصد و هفتاد و سوم و تأدیپ فرزند قمرالزمان نمونه دیگری از قربانی است که لزوماً به مرگ یا کشتن منجر نمی‌شود. بسیاری از جنبه‌ها یا حتی حوزه‌های کلی بلاگردانی شکلی استعاری و نمادین دارد و لزوماً به معنای اجرا و کنش عمل ملموس فیزیکی آن در معنای مصطلح نبوده و نیست.

* در داستان شب دویست و چهل و یکم نیز رنجور شدن پسر و کشف درمان او توسط طیب که در شب بعدی داستان‌سرایی شهرزاد مشخص می‌شود نیز پیرو همین شکل از قربانی است که این بار مورد رفع و تعدیل طیب قرار می‌گیرد. (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۵۶۲).

* در داستان «عاشق حشیش کشیده» روایت شده در شب یکصد و چهل و سوم نیز شکلی از رفع قربانی و بلاگردانی به میانجی ورود مادر کان ماکان به اتاق و ناکام ماندن کنیزک (باکون) در قتل پسر وی را شاهدیم (هزارویک شب، ۱۳۹۱: ۳۹۳).

۳. نتیجه‌گیری

قربانی به‌عنوان یکی از عناصر بلاگردانی در باورهای انسان‌های نخستین و اسطوره‌ای دارای جایگاه رفیع و ارزشمندی بوده است، البته این باور با ظهور اسلام موردپذیرش بیش قرار گرفت و از استحکام قوی‌تری برخوردار شد. در بدو امر قربانی به‌صورت انسان بود که با پیشرفت دانش اجتماعی بشر و ظهور ادیان الهی این نوع قربانی از رونق افتاد و حیوان جایگزین آن گردید. امروزه نیز همچنان ادامه دارد. در داستان‌های هزارویک‌شب عمل قربانی کردن انسان به چند منظور انجام می‌شد: ۱. پیشکش به خدایان، آنان خون‌ریزی را مایه تجدید حیات و زندگی می‌دانستند و آن را هدیه ارزشمند می‌شمردند که قادر به دفع ارواح پلید و اهریمنان بود، ۲. قربانی جهت دفع بلا و مصیبت که مردم بدان گرفتار هستند؛ مثل دو نمونه اول که با کشتن زن جادوگر و عجز حیل‌گر مردم از شر آنان خلاصی می‌یابند، ۳. قربانی از ترس خدا یا خدایان و جلب رضایت او، آنان از خشم خدا یا خدایان که می‌تواند سبب ویرانی ملک و مملکت گردد بسیار می‌ترسیدند و با قربانی سعی در پیشگیری آن داشتند. همچون داستان غریب و ورود او شهر گرج که ملک پس از عدم پذیرش دین ساکنان شهر توسط غریب دستور کشتن او را برای رضای خدا می‌دهد، ۴. قربانی کردن در اعیاد به‌عنوان یک فریضه، در عید قربان مسلمان آن را یک فریضه دینی می‌شمردند و بر اساس توانایی مالی قربانی (حیوان یا ماکیان) انجام می‌دهند. در هزارویک‌شب به قربانی در عید مجوس اشاره شده است که آنان در روز عید ارزشمندترین هدیه خود؛ یعنی قربانی انسان را در برابر خدا انجام می‌دادند. در داستان حسن بصری و بهرام مجوس می‌خوانیم که او هر سال در عید مجوس یک نفر از مسلمانان را در برابر خدای خود قربانی می‌کرد، ۵. قربانی کردن برای حاجت‌روا شدن، امروز چنین خون‌ریزی را نذر نامند و همچنان در بین کشورهای مسلمان جاری است، ۶. قربانی از سان به‌عنوان عقیده کردن؛ عقیده کردن در واقع همان قربانی کردن است که جهت دفع بلا انجام می‌گردد و در سنت اسلامی امری مستحب شناخته می‌شود که برای دفع بلا گوسفندی را ذبح می‌کنند و در بین فقرا تقسیم می‌نمایند. در داستان‌های هزارویک‌شب یک مورد به این عمل در حکایت دو وزیر اشاره شده است. وقتی یاران نورالدین از خالی شدن خزانه او آگاه می‌شوند هرکدام با توسل به عذر و بهانه‌ای از او کرانه می‌گیرند یکی از یاران دلیل رفتن را عقیده کردن پسر برادر بیان می‌کند.

منابع

- آزادی ده عنابستانی، نجمه (۱۳۹۴). رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ. فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. ۱۱ (۳۸)، ۴۰-۱۱.
- اسلام، علیرضا (۱۳۹۴). تحول قربانی از انسان به حیوان. پژوهش‌های ادبانی. ۳ (۶)، ۶۵-۸۷.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۲). دیوان شعر. تحقیق و تصحیح حسن شیرازی. تهران: پیام عدالت.

- حسن آبادی، ادیبان؛ محمود، فاطمه (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل مضمون قربانی در اشعار بیدل. *کهن‌نامه ادب فارسی*. ۷ (۱)، ۲۷-۵۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: بنیاد دهخدا.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۵). *غزلیات*. تهران: گنجینه.
- عبدی، ولی (۱۴۰۰). *قربانی کردن در دوران کهن*. مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. www.irna.ir/news/84409258.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۰). *قربانی در ادیان*. معرفت. ۱۰ (۵۱)، ۷۶-۸۷.
- فریزر، جیمز جورج (۱۳۸۳). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه امام علی (ع).
- لانگ، کاترین ج. (۱۳۸۳). *آمریکای باستان*. ترجمه فریدون جواهر کلام. تهران: ققنوس.
- لسان، حسین (۱۳۵۵). *قربانی از روزگار کهن تا امروز*. هنر و مردم. ۱۵ (۱۶۷)، ۶۰-۷۰.
- مصطفوی، علی‌اصغر (۱۳۶۹). *اسطوره قربانی*. تهران: مؤلف.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۸). *مثنوی معنوی*. تهران: امیرکبیر.
- نصرالله منشی، نصرالله بن محمد (۱۳۸۵). *کللیه و دمنه*. به کوشش حسن‌زاده آملی. تهران: امیرکبیر.
- نیستانی، جواد (۱۳۹۴). *قربانگاه‌های انسانی توفت در بیت‌المقدس*. *مطالعات باستان‌شناسی*. ۷ (۲)، ۱۶۵-۱۷۴.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۰). *مرزبان‌نامه*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.
- هزار و یک شب (۱۳۹۱). ترجمه عبداللطیف طسوجی تبریزی. تهران: فردوس.

References

- Abdi, V. (2021). *Sacrifice in ancient times*. Interview with the Islamic Republic of Iran News Agency. www.irna.ir/news/84409258
- Azadi Deh Anabestani, N. (2015). Deciphering the Sacrifice Ritual in Myth. *Mysticism and Culture Quarterly Journal of Mysticism and Mythological Literature*. 11(38): 11-40.
- Dehkhoda, A.A. (1998). *Dictionary*. Tehran: Dehkhoda Foundation.
- Etesami, P. (2003). *Poetry Divan*. Shirazi, H. (Coor.). Tehran: Payam Adalat.
- Farahani, H. (2001). Sacrifice in religions. *Marefat*. 10 (51), 76-87.
- Fraser, J. (2004). *Shakhzarin*. Firouzmand, K. (Trans.). Tehran: Agah
- Hassanabadi, M ana Adiban, F. (2015). Description and analysis of the theme of sacrifice in Biddle poems. *Ancient Letter of Persian Literature*. 7 (1), 27-51.
- Islam, A. (2015). The Transformation of Sacrifice from Man to Animal. *Pajoheshha e Adyani*. 3 (6), 65-87.
- Lesan, H. (1976). Sacrifice from ancient times to the present, *Art and People*. 15 (167), 60-70.
- Long, C. J. (2003). *Ancient America*. Fereydoun Javaher Kalam (Trans.). Tehran: Qoqnu.
- Mustafavi, A. (1990). *Ghorbani Myth*. Tehran: Author.
- Nasrollah Monshi, N. (2005). *Kelilehudmaneh*. Amoli, H. (Effor.). Tehran: Amirkabir.
- Neyestani, J. (2015). The human altars of Tuft in Jerusalem. *Archaeological Studies*. 7 (2), 165-174.
- Rumi, J. (1999). *Masnavi e Manavi*. Tehran: Amirkabir.
- Saadi Shirazi, M. (1996). *Ghazals*. Tehran: Ganjineh.
- The Holy Quran* (2010). Naser Makarem Shirazi (Trans.). Qom: Imam Ali School.
- Tasoji Tabrizi, A. (2012). *One Thousand and One Nights*. Tehran: Ferdows.
- Varavini, S. (2001). *Marzbannameh*. Khatib Rahbar (Effor.). Tehran: Safi Alisha.

نحوه ارجاع به مقاله:

خلیفه، مهدی؛ ابراهیمی، قربانعلی؛ چترایی، مهرداد (۱۴۰۱). جایگاه آیین قربانی در داستان‌های هزار و یک شب. *فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی*. ۱۲ (۴۳)،

Dor: 20.1001.1.27170896.1401.12.43.3.2, ۴۷-۳۴

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

